

هنر زیلوبافی در یزد

سید محمدجواد میرخلیلی^۱

چکیده

به استناد نشانه‌های به‌جای‌مانده در میبد، می‌توان ردّ هنر زیلوبافی را تا قرن هشتم دنبال کرد. ساختار زیلو، رنگ، نقش و کتیبه‌های روی آن این دستبافت کهن را از دستبافته‌های سنتی دیگر و حتی صنعتی نوین متمایز کرده است. زیلو از حیث کیفیت، ثبات و ماندگاری رنگ، همچنین نقش‌ها و کتیبه‌ها ویژگی‌های منحصر به فردی دارد؛ چه نقش‌های آن، ترجمان و بازتاب محیط طبیعی زندگی مردمان خطّه کویر است و کتیبه‌های آن، سند مکتوب تاریخ این سرزمین به شمار می‌رود و همه معطوف به سنت حسنه وقف و احسان در راه خداست. آشنایی با هنر زیلوبافی می‌تواند یک دستبافته کهن و پر قدمت را به مخاطبین امروزی معرفی کند ساخت مستندهایی در این زمینه، بر ذائقه مخاطبین تأثیر گذاشته و به ترویج استفاده از این تولیدات بومی یاری می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: زیلوبافی، نقش و نگار زیلو، رنگ در زیلو، کتیبه‌نگاری زیلو، صنایع دستی،

میبد.

۱. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران، پژوهشگر صدا و سیما مرکز یزد

مقدمه

زیلو یکی از قدیمی‌ترین محصولات دستباف و فرشی کم‌بها است که از نخ بافته شده است و در تابستان ایجاد خنکی می‌کند. زیلو، نخ‌بافته خنکی است که سلامتی بافنده و مصرف‌کننده را به مخاطره نمی‌اندازد و با رنگ‌های ملایم و زیبا آرامش را در خانه‌ها منعکس می‌کند. با این حال زیلو برخلاف بسیاری از فرش‌ها و زیراندازها، فاقد تنوع رنگی بالاست. زیلو، فرش دشت‌های کویر، ظاهری ساده و بادوام دارد که طراوت شن‌های کویر را در شب‌های تابستان به تن آدمیان شن‌زده می‌نشانند و خستگی روز را از آنها می‌زداید. (یاوری، ۱۳۸۵: ۲۸)

ساکنان کویر در انتخاب جنس این دستبافته، تندرستی را نیز مد نظر داشته‌اند؛ چرا که در قالبیافی، پرز حاصل از پشم سبب بروز بیماری‌هایی در دستگاه تنفسی می‌شود، درحالی که استفاده از پنبه به عنوان مواد اولیه بدون پرز در بافت زیلو، سلامتی بافنده و مصرف‌کننده را تهدید نمی‌کند.

زیلو با نخ‌های پنبه‌ای بافته می‌شود و در برابر گرما و سرما بسیار مقاوم است و دوام آن نسبت به فرش‌های ماشینی بسیار بیشتر است. قدمت بعضی زیلوها به بیش از ۷۰۰ سال می‌رسد. در گذشته از زیلو به عنوان فرش اصلی استفاده می‌کردند. همچنین در مکان‌های مذهبی زیلوهای وقفی جایگاه ممتازی داشتند.

به علت شباهت زیاد زیلو به حصیر، در نقش و بافت، می‌توان احتمال داد که زیلوبافی مرحله تکمیل‌یافته حصیربافی است و بافندگان آن از این صنعت الهام گرفته‌اند. مردم اغلب تفاوتی میان زیلو و گلیم قائل نیستند، درحالی‌که این دو فرش دستبافت، هم از نظر مواد خام مصرفی و هم به لحاظ نوع بافت با هم تفاوت دارند. در بافت زیلو، فنون پیچیده‌ای به کار گرفته می‌شود که نظیر آن در کمتر دستبافته‌ای به چشم می‌خورد. زیلو با زندگی جامعه کشاورزی و روستایی سازگاری دارد؛ زیرا مواد اولیه آن از پنبه به دست می‌آید. گلیم با معیشت دامداری و شیوه تولید عشایر مناسب است، مصالح گلیم بیشتر از پشم است و برای مناطق سردسیر مناسب است در صورتی که زیلو از نخ پنبه‌ای است و برای مناطق

گرمسیری بویژه مناطق حاشیۀ کویر مناسب است. این فرش مثل دشت‌های کویر، ساده و بی‌آلایش است، اما درونی پر رمز و راز دارد.

این فرش سنتی در نقش و بافت شباهت زیادی به حصیر دارد و یکی از موارد کاربری آن مانند حصیر استفاده در مساجد، مصلی‌ها و اماکن متبرکه و مقدس است؛ گرچه در گذشته در اغلب خانه‌های متوسط و کم‌درآمد بویژه در تابستان‌های گرم مناطق کویری، زیلو به عنوان مناسب‌ترین، بادوام‌ترین و خنک‌ترین کف‌پوش‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت.

زیلو صنعتی روستایی و وابسته به کشاورزی است. در روزگاری که کشاورزی رونقی داشت و نیروی کار ارزان بود، بخش عمده‌ای از کارهای بافندگی زیلو از سوی افراد خانوار انجام می‌شد. از هر خانواده پر اولاد روستایی، یکی «بافندگی»، یکی «پنجه زنی» و دیگری «کلاف لاکنی» را به عهده می‌گرفت. به همین دلیل، کارگاه‌های زیلوبافی اغلب اتاقی از خانه مسکونی بود که راهی از آن به کوچه باز می‌شد. با تغییر ساختار اقتصادی این نظم از هم پاشیده شد و نیروی کار تقلیل یافت. (www.amordad.net)

خاستگاه زیلو

فرش دستی ایران، دارای قدمتی بسیار طولانی است. در ایران از دیرباز بافتن انواع فرش‌های دستی متداول بوده است. نوشته‌های مورخان، جهانگردان، جنگجویان و آثار مکشوفه از گذشتگان گویای آن است که فرش‌بافی به صورت هنر دستی و مردمی و روستایی و عشایری در ایران سابقه‌ای بس دراز دارد. با این همه، عصر مغول (قرن هفتم هجری) را می‌توان دورانی غم‌انگیز برای انواع هنر ایرانی بویژه فرش دانست؛ هر چند در قرن‌های دهم و یازدهم و دوران حکومت صفویان، صنعت فرش ایران بار دیگر شکوفا شد و اگرچه تفاوت چندانی در اصول فرش‌بافی ایجاد نگردید، ولی نمونه‌های بسیاری از شاهکارهای آفریده شده به دست آنان، اینک به عنوان نمونه‌ای از هنر و صنعت ایرانی زینت‌بخش اغلب موزه‌ها و نمایشگاه‌های بزرگ جهان شده است. (حاجی‌بمانی، ۱۳۷۹: ۱۷)

نوشتن تاریخ و سابقه زیلوبافی و علل تکوین و پیدایی آن بسیار دشوار است. برخی پیدایش آن را به قرون اولیه اسلامی نسبت می‌دهند. با وجود این، براساس مدارک موجود، سابقه زیلوبافی در میبد را تا قرن هشتم به دوره مظفریان مسبوق می‌دانند و برخی دیگر سابقه و قدمت آن را کمتر از این تصور می‌کنند. ناصر خسرو قبادیانی در «سفرنامه»، ضمن توصیف وضعیت و موقعیت شهر «تون» (فردوس کنونی) می‌نویسد: «گفتند در این شهر چهارصد کارگاه بود که زیلو بافتندی...». احتمالاً قدیمی‌ترین سندی که از زیلو و زیلوبافی نام برده است، همین سفرنامه ارزشمند است. شاید وجود راه مستقل میبد به خراسان و ارتباط و تبادل تجاری و فرهنگی مردم این خطه با اهل آن سامان سبب انتقال این صنعت از خراسان به میبد شده است. (افشار، ۱۳۵۴: ۲۳)

نفیس‌ترین زیلوی میبد به قرن ۱۲ هـ ق تعلق دارد که بر آن ۲۴ سجاده طراحی شده و در حاشیه آن نام واقف و تاریخ ۱۱۱۸ هجری قمری نقش بسته است. در حدود ۵۰ درصد این زیلو فرسوده شده و به عنوان زیرانداز در زیر زیلوی دیگری که قدمت آن نیز بیش از صد سال است، استفاده می‌گردید. هم‌اکنون این زیلو در موزه زیلوی میبد نگهداری می‌شود. (www.fantabe.com)

از دیگر زیلوهای قدیمی و بی‌نظیر بافت میبد می‌توان به زیلوی مسجد جامع هفتادر در عقدا مربوط به قرن ۱۱ هجری قمری، زیلوی آویخته در مسجد امیر چخماق یزد مربوط به قرن ۱۳ هجری قمری و زیلوهای کهنه مسجد رکن‌آباد میبد اشاره کرد. همچنین در مسجد شاه‌ولی تفت زیلویی موجود است که نام بافنده آن «شمس‌الدین قطب‌الدین میبدی» است و تاریخ بافت آن را ۹۶۳ هجری قمری تخمین زده‌اند.

زیلو یکی از مهم‌ترین صنایع دستی استان یزد است؛ هر چند شهرت بافت زیلو در شهر میبد یزد بیشتر است، به طوری که در میبد قدمت آن به پیش از اسلام می‌رسد و حتی عقیده بر این است که زیلو از ابداعات آن خطه بوده و گسترش بافت آن به وسیله استادکاران میبدی صورت گرفته است.

خاستگاه این فرش و مرکز گسترش آن در میبد بوده و استادکاران میبد دیرزمانی است که با زیلوبافی آشنایی دارند و بی‌تردید در شیوه بافت و نقوش آن دخل و تصرفاتی

کرده‌اند. ذکر این نکته که میبد خاستگاه هنر و صنعت زیلوبافی بوده و زیلوبافان میبد آن را به دیگر شهرها برده و گسترش داده‌اند، خالی از اغراق نیست. به طوری که ناصر خسرو در سفرنامه خود به ۵۰۰ کارگاه زیلوبافی در شهرستان میبد اشاره کرده است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۲۴)

تشابه نقش‌های زیلو به شئونات مادی و معنوی زندگی مردم، اعم از نوع مکان و اعتقادات و باورها، گویای این نکته است که اگر میبد را خاستگاه اصلی هنر زیلوبافی ندانیم، حداقل آنجا را جایگاه مردمانی خواهیم یافت که دیرزمانی است با این هنر آشنایی دارند و به مرور در شیوه بافت آن دخل و تصرفاتی داشته‌اند.

خواه خاستگاه زیلو میبد یا جای دیگر باشد، به‌رحال اکنون این صنعت در میبد دارای سابقه طولانی است و جدا از چند اصطلاح عربی که در صنعت زیلوی میبد رواج دارد - نظیر شلیت^۱ و مداخل^۲ - وجود اصطلاحات میبدی در فرهنگ واژگان زیلوبافی میبد مؤید این ادعاست که اگر میبدی‌ها مبدع آن نبوده‌اند، ولی در گسترش آن نقش بسزایی داشته‌اند که در فرهنگ‌نامه‌ها و لغت‌نامه‌ها نیز آمده است که «بهترین زیلوها را در یزد می‌بافتند». (حاجی‌بمانی، ۱۳۸۰: ۱۹)

از سابقه زیلوبافی در استان یزد، مدرک مستندی در دست نیست، اما بقایایی از قدیمی‌ترین زیلوی بافت میبد در مسجدجامع این شهر وجود دارد که به قرن نهم هجری (۸۰۸هـ) بازمی‌گردد و دیرینگی زیلوبافی را در این شهر نشان می‌دهد. همچنین در مسجد شاه‌ولی تفت، زیلویی موجود است که نام بافنده آن را «شمس‌الدین قطب‌الدین میبدی» ذکر کرده و تاریخ بافت آن را ۹۶۳ هـ نوشته‌اند. (افشار، ۱۳۵۴: ۱۱۰)

خاستگاه زیلوبافی، بشنیغان در میبد یزد بوده و از آنجا به دیگر نقاط رواج یافته است. در زمان‌هایی که میبد از آب و زمین به نسبت کافی برخوردار بود، کشت پنبه رواج زیاد و محصول پنبه میبد مصرف داخلی داشت، اگر هم صادراتی صورت می‌گرفت، به شکل بافته‌های نخ‌ای از نوع زیلو، کرباس و پلاس بود. لباس قشر عظیمی از مردم، از نخ پنبه‌ای

۱. تارهای به هم پیچیده که برای به وجود آوردن نقش از آنها استفاده می‌شود.

۲. نخستین نقش حاشیه زیلو را «مداخل» خوانند.

بافته می‌شد که مردان می‌کاشتند و زن‌ها با دستگاه‌های ابتدایی و سنتی می‌ریسیدند و می‌بافتند. همان‌طور که در هوای گرم و خشک تابستان کویری میبد، پوشیدن لباس‌های پنبه‌ای دلپذیر بود، نشستن بر روی زیلوهای نخی، آن هم در زیر بادگیر، خنکای دلچسبی به همراه داشت، اما زیلو گذشته از مزیت آن که متناسب با آب و هوای منطقه بود، فواید دیگری نیز داشت که مهم‌ترین آنها استحکام و دوام فوق‌العاده آن و مقرون‌به‌صرفه بودنش به لحاظ اقتصادی بود، به طوری که هر زیلو دست‌کم صد سال دوام داشت. همچنین چون تمام مواد خام آن در محل تهیه می‌شد، اشتغال‌زا نیز بود و موجب اشتغال صدها نیروی کار می‌شد. زیلو یکی از اقلام صادراتی میبد بود که تمام مراحل تولید آن شامل تهیه مواد خام، ابزار کار و بافت در محل انجام می‌شد. پول یا جنسی که در ازای قیمت این محصول وارد میبد می‌شد، از درآمدهای خالص به حساب می‌آمد و رونق اقتصادی مهمی داشت. (جانباللهی، ۱۳۷۴: ۲۷)

رنگ در زیلو

زیلوه‌ها برخلاف بسیاری از فرش‌ها و زیراندازها، فاقد تنوع رنگی هستند. البته زیلوهای خانگی نسبت به زیلوهای مساجد تنوع رنگ بیشتری دارند و در رنگ‌های آبی و سفید، سبز و نارنجی، آبی و گلی (قرمز) بافته می‌شوند.

رنگ‌های مورد استفاده در زیلو، همگی از گیاهان کویری تهیه می‌شود. ماده اولیه ساخت این رنگ‌ها عموماً گیاه «روناس» است که برای ایجاد رنگ‌های طیف قرمز به کار می‌رود. همچنین گیاه «نیل» برای ایجاد رنگ‌های طیف آبی و «پوست‌گردو» برای ایجاد رنگ‌های طیف قهوه‌ای استفاده می‌شود. (www.seemorgh.com) علت اصلی استفاده کردن از رنگ‌های گیاهی در زیلو، ثابت ماندن رنگ زیلو به هنگام شستشو و مقاومت در برابر اشعه خورشید است. البته استفاده از رنگ‌های طبیعی مربوط به زمان‌های گذشته صورت گرفته که تا سال ۱۳۴۹ نیز ادامه داشته است، اما از سال ۱۳۵۰، این صنعت و این سنت قدیمی به دست فراموشی سپرده شد و بافندگان واحدهای کوچک زیلوبافی برای تهیه آسان‌تر رنگ، به این فکر افتادند که از رنگ‌های شیمیایی کمک بگیرند. درحالی‌که

استفاده از رنگ‌های گیاهی، علاوه بر مزیت ثابت ماندن رنگ زیلو در هنگام شستشو و مقاومت در برابر قدرت سفیدکنندگی اشعه خورشید، در ثابت ماندن شفافیت و کیفیت رنگ با گذشت زمان نیز مؤثر است؛ به طوری که زیلوهایی با قدمت ۱۰۰ تا ۳۰۰ سال با وجود پاخوردگی و شستشوی مکرر، همچنان کیفیت رنگ خود را حفظ کرده‌اند. اهمیت این مسئله وقتی روشن‌تر می‌شود که توجه کنیم زیلوهای قدیمی متأسفانه در بدترین شرایط ممکن نگهداری می‌شدند، با وجود این، پس از گذشت چند قرن رنگ خود را همچنان حفظ کرده‌اند.

به طور کلی زیلوها از نظر کاربرد و رنگ به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. زیلوهایی که با رنگ آبی و سفید بافته می‌شوند و مختص مساجد، امامزاده‌ها و اماکن

متبرکه هستند.

۲. زیلوهای جوهری که با رنگ آبی و گلی بافته می‌شوند و برای مصارف خانگی

به کار می‌روند. این زیلوها به نسبت ارزان‌قیمت و نامرغوب هستند.

۳. زیلوهای نفتال که با رنگ سبز و نارنجی (قرمز) و گاه بنفش با نگاره‌های زیبا بافته

می‌شوند و مرغوب‌ترین نوع زیلو به شمار می‌روند. (www.isfahanportal.ir)

نکته قابل ذکر در مورد رنگ زیلوها آن است که زیلوهای سبز و قرمز نسبت به زیلوهای آبی و سفید متأخرترند به تازگی نیز برای تنوع بخشی به زیلوها از نظر رنگ، نمونه‌هایی با رنگ کرم و قهوه‌ای بافته شده که تعداد آن انگشت‌شمار است.

از نظر ترکیب رنگ، زیلو انواع و اقسامی دارد؛ بدین ترتیب: آبی و سفید- مشکی و سفید- مله^۱ و سفید- مله و آبی- قرمز و سفید- آبی و گلی- سبز و نارنجی- فیروزه‌ای و عنابی- روناسی و سفید.

در زیلوهایی که برای مساجد و اماکن مذهبی می‌بافند، فقط از رنگ آبی استفاده می‌شود و پود آن از یک ماسوره (دامی) آبی و یک ماسوره (دامی) سفید است. ضمن آنکه نقشه‌های گره و محرابی بیشتر مخصوص این نوع زیلوهاست؛ اما در زیلوهایی که برای

۱. در گذشته، پنبه‌ای موسوم به «مله» (malla) که رنگ آن متمایل به زرد بود، کاشته می‌شد و به همان رنگ طبیعی در زیلوبافی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

مصارف شخصی می‌بافند، از رنگ‌های مختلف آبی، گلی و نارنجی استفاده می‌شود.
(رمضان‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۰)

رنگ انتخاب‌شده برای زیلوهای طرح محرابی (صف) همان‌طورکه اشاره شد، دو رنگ آبی لاجوردی و سفید است. آبی لاجوردی در طول تاریخ همیشه برای مردم ایران کیفیتی روحانی و مذهبی داشته است. (همان: ۲۰)

این رنگ انتقال‌دهنده روز به شب و شب به روز است. بستر و زمینه‌ای برای طلوع و غروب خورشید است؛ لحظاتی که تقریب می‌آورد. رنگ سفید، پاکی، قداست و روحانیتی در خود نهفته دارد که هرگونه آلودگی و زشتی را سریع نمایان می‌سازد. سفید یادآور بهشت است و مؤمنان در بهشت سفیدرویند.

این دو رنگ در کنار یکدیگر سبکی و خنکی به همراه دارند و یادآور روزهای آفتابی پس از باران در فصل بهار هستند: آسمان پاک و نیلگون با لکه‌های ابر متراکم و مدام در حال تغییر شکل، زمانی که انسان بیشتر از هر وقت دیگر به آسمان می‌نگرد و احساس شادمانی و وجد دارد. به هنگام نماز این نمای رنگین از آبی لاجوردی و سفید بر زیر پای نمازگزار گسترده می‌شود تا با سبکبالی افزون‌تری از زمین و نیروی جاذبه‌اش (غفلت‌هایش) کنده شود. (محبی، ۱۳۸۴: ۵۱)

نقش و نگار در زیلو

درخصوص نقش‌ها باید توضیح داده شود که نامگذاری هر نقش بر اساس شکل ظاهری یا براساس نخستین شخصی است که آن را ابداع کرده است. برای مثال نقش «طالک» به شکل طال و سینی است یا «سروک» به شکل صنوبر است و یا شکل «پرت‌توره» که شبیه رد پای شغال است. در فرهنگ واژگان میبد، توره^۱ به معنی شغال و پرت^۲ به معنی رد پای است. نقش‌های رکن‌الدینی و غلام‌عباسی هم از نام اشخاص گرفته شده است. همچنین

1. ture

2. part

بسیاری از نقوش زیلو متأثر از نقش‌های آجرکاری‌ها و کاشی‌کاری‌های مساجد بوده است. (فلاح، ۱۳۷۹: ۴۵)

بیشتر نگاره‌های زیلوه‌ها، نقش‌هایی است که ریشه در فرهنگ ایران باستان دارد و بسیاری از آنها بعدها با فرهنگ اسلامی درآمیخته است. برای مثال، نقش سرو که در گویش محلی به نام «سبرک» خوانده می‌شود، نماد جاودانگی است که تقریباً در بسیاری از مذاهب و آیین‌های باستانی از قداست و ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ به‌طوری‌که آثار آن در تمدن آشوری، ایلامی، هخامنشی، پارتی و ساسانی مشهود است. (جانب‌اللهی، ۱۳۷۴: ۲۳) شکل تغییر یافته سرو به صورت «بته‌جقه» در هنر اسلامی کاملاً نمود یافته است. علاوه بر آن نخل یا نخله که در ایام عاشورای حسینی بر دوش عاشقان آن حضرت حمل می‌شود، نمونه درخشان این شکل در هنر اسلامی است. در هنرهای دستی مردم یزد نیز بته‌جقه (سرو خمیده) در ترمه‌بافی جلوه‌گر شده است. (سهیلی‌راد، ۱۳۷۸: ۱۱)

اجزای نقش

نقش در زیلو سه جزء دارد. یکی مربوط به حاشیه است و دیگری حده فاصل حاشیه و متن است که به آن بند و گل می‌گویند. آخرین جزء، نقش زمینه یا متن است که در اصطلاح به آن نقش کار می‌گویند و این قسمت است که در نقشه‌های مختلف متغیر است. تار و پود زیلو از نخ پنبه است و در اندازه‌های ۳×۴ و ۲×۳ بافته می‌شود. نقش حاشیه را در اصطلاح «دج» می‌گویند و نقش کار یا زمینه را با عنوان «نقش» می‌شناسند. معمولاً حاشیه زیلو و حده فاصل بین حاشیه و متن زیلو که در اصطلاح بدان «بند و گل» گفته می‌شود، در تمامی زیلو یکسان است و آنچه تغییر می‌کند، نقش‌های متن یا زمینه کار است که هرچه پرنقش‌تر باشد، زیلو پیچیده‌تر و از ارزش بیشتری برخوردار است. (www.irandeserts.com)

نقشه‌هایی که در متن زیلو به کار می‌رود، بیشتر متأثر از شئون زندگی مردم و برگرفته از محیط طبیعی آن منطقه است. نقشه‌ها به طور کلی به دو دسته نقوش اصلی و نقوش تکمیلی تقسیم می‌شوند.

نقوش اصلی، نقش یا نقوش غالب در زیلوست، درحالی که نقوش تکمیلی، نقوشی هستند که برای تزئین نقش اصلی به کار می‌روند. البته بسیاری از نقش‌های تکمیلی می‌توانند در جایی دیگر به عنوان نقش اصلی نیز به کار روند. نقش حاشیه با به کارگیری نقوش کنگره، مداخل، ارّه و گاهی زنجیرک به عنوان تکمیل‌کننده نقش زمینه، از سوی بافندگان مورد استفاده قرار می‌گیرد. نقش‌های تکمیلی، در زیلوهای سجاده‌ای بیشترین کاربرد خود را نمایان می‌سازند.

ترتیب نقش

نقش حاشیه عموماً یکنواخت و ثابت است و از نقوش مختلف تشکیل می‌شود که به ترتیب زیر بیان می‌گردد:

۱. کِش و کناره: نام نخستین نقش حاشیه زیلو، یعنی همان خطوط موازی کنار زیلوست.

۲. مداخل: نام دومین نقش حاشیه است که به سر پرنده شباهت دارد.

۳. کش: دو رشته خطوط عمودی و موازی که در مقابل نقش مداخل قرار دارد.

۴. کنگره: نام نقشی به شکل کنگره است که بعد از کش قرار دارد.



۵. چارکش: خطوط عمودی و موازی شبیه کش است، با این تفاوت که فاصله بیشتری با یکدیگر دارند.

۶. بند و گل: یک گل کامل و یک نیم گل است.

۷. تکرار چارکش: برای جدا کردن نقش‌ها و پیشگیری از تداخل آنهاست که چند بار در حاشیه تکرار می‌شود.

۸. تکرار کنگره

۹. سه کش: سه خط موازی در حاشیه زیلوست.

۱۰. پُرک: نقشی شبیه پروانه که بعد از سه کش قرار دارد.

۱۱. تکرار چارکش

۱۲. تکرار کنگره: جهت آن، عکس کنگره قبلی است.

۱۳. نقش زمینه: نقش زمینه بسته به ذوق بافنده یا مکان مورد استفاده تغییر می‌کند.

قانون بافت حاشیه این است که پس از کش و کناره، حتماً نقش کنگره به عنوان نخستین نقش بافته می‌شود. نقش حاشیه بیشتر بر اساس سلیقه استاد زیلوباف انتخاب می‌شود و ممکن است به شکل کنگره، مداخل، اره، هشت‌پر بزرگ یا کوچک باشد. (فیاضی، ۱۳۸۸: ۵۸)

نقوش زیلو از امکانات ترکیب و همنشینی فوق‌العاده‌ای برخوردارند. این موضوع سبب شده است تا بافنده با سلیقه و نظر خود که ریشه در سنت‌های گذشته دارد، به ابداع ترکیبات و سامان‌بندی‌های تازه‌ای در کارش دست بزند. ساختار نقوش طوری است که به راحتی در کنار یکدیگر می‌نشینند و به تکمیل هم می‌پردازند. نبود یک طرح و نقشه از پیش تعیین شده در زیلو، توان و سلیقه استادکار را در هر زیلو به چالش می‌کشاند. (حصوری، ۱۳۸۱: ۴۱)

نقوش زیلو از تنوع و گوناگونی بسیاری برخوردارند و هر نقش، در ترکیب با نقوشی دیگر نقشی جدید می‌آفریند، از همین رو ما با نقش‌هایی پیچیده و متکثر روبه‌رو هستیم. نقش مایه‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ اول: نقوشی که در سایر فرش‌ها نظیر گلیم و قالی کاربرد دارند. دوم: نقوشی که بین زیلو و نقوش تزیینی معماری ایرانی مشترکند و سوم: نقوشی که انحصاراً به زیلو اختصاص دارند و در هیچ یک از هنرهای تزیینی دیگر نمی‌توان آنها را یافت (علیمحمدی اردکانی، ۱۳۸۶: ۶۳) که خود از هوش و خلاقیت طراحان زیلو حکایت دارد.

در زیلو تنوع نقوش به حدی فراوان است که ذکر تمام آنها امکان‌پذیر نیست. اسامی بسیاری از این نقوش برگرفته از فرهنگ و مذهب مردمان این دیار بوده یا متأثر از وضعیت اقلیمی این سرزمین است. متأسفانه زیلوهای بسیاری کهن با نقش‌های بدیعی نیز وجود دارند

که نام آن نقوش یا وجه تسمیه آن از یادها رفته است. در ادامه اسامی برخی از این نقوش که در موزه زیلوی میبد وجود دارد، ذکر می‌شود: محرابی، بافت کوچک، بالنگ، مره، گچ‌بر، گره، رکدانی، گل مور، بند رومی، سرو، کلید، هشت‌پر، سینه‌ریز، مهره، پرتوگل، پیله، پرت توره، چشم‌بلبلی، هشتی، زنجیر، اره و گل گرونه. (www.yazdchto.ir)

خاستگاه نقوش

بیشتر نگاره‌های زیلو، نقشه‌های شناخته‌شده‌ای هستند که ریشه در فرهنگ ایران باستان دارند که بعدها با فرهنگ اسلامی درآمیخته‌اند. برای مثال، «سرو» به سبب اینکه همیشه سبز است، تقریباً در تمام مذاهب باستانی از قداست و حرمت برخوردار بوده و نماد جاودانگی محسوب می‌شده است. آثار آن نیز در تمدن آشوری، ایلامی، هنر هخامنشی و پارتی و ساسانی مشهود است. این نقش بعدها در هنر اسلامی به شکل «جقه» در بافت‌های ترمه، حضور خود را تثبیت کرده است؛ به طوری که در آیین‌های مذهبی نیز سرو دارای نقش نمادین است. (www.ebtekarnews.com)

اسکلت چوبی بزرگ به نام نخل که هنوز در بسیاری از شهرهای ایران از جمله میبد، آن را به عنوان نماد تابوت امام حسین علیه السلام در ایام عاشورا حرکت می‌دهند، در واقع مقطعی از بلندترین قسمت سرو است. حتی یکی از اجزای تزئینی نخل میبد سرو نام دارد که درست به شکل درخت سروی است که برگ‌های آن را به شکل نیزه مجسم کرده‌اند و نماد تیرهایی است که به بدن امام حسین علیه السلام زده شده است.

نقش «گره»، ملهم از گره‌کاری‌های ضریح یا در و پنجره اماکن مقدسه است. نقش محرابی نیز ترکیبی از دو نقش گره و محراب مساجد است. به لحاظ سبک معماری، به نظر می‌رسد نقش حاشیه و کنار زیلو که بخشی از آن حتی کنگره نامیده می‌شود، یادآور کنگره‌های دیوار قلاع است که نمونه آن در میبد فراوان یافت می‌شود. نقش بعضی گل‌های زیلو بی‌شبهت به دیواره‌های مشبک لبه بام‌ها نیست که هم حکم بادگیر را دارد و هم دیوار محافظ است. آجرچینی طرف بیرونی آب‌انبار و هزاره‌های خانه‌ها نیز مشابهت زیادی با نقش گره دارد. (جانب‌اللّهی، ۱۳۷۴: ۳۶)

نقش «کلید و گره» نیز همان گردونه خورشید یا خورشید آریایی است که به نظر محققان در هنر ایران بعد از اسلام، با خط کوفی تلفیق می‌شود و متنوع‌ترین و بدیع‌ترین شبکه‌های نقش‌پردازی را پدیدار می‌کند. کلید و سرو به صورت اختصاصی برای زیلوی مساجد و اماکن متبرکه بافته می‌شده است. حتی در معماری مذهبی نقش گره و کلید جایگاه ویژه‌ای دارد. پوشش سطح خارجی گنبد مساجد و تنوره آب‌انبارها، شبکه‌های در و پنجره مساجد و نخل و ضریح امامزاده‌ها نیز از چنین نقشی شکل گرفته است.

نقش «هشت‌پر» نیز نقش‌مایه شناخته‌شده‌ای است که قدیمی‌ترین نمونه آن در قالی وجود دارد. نمونه نقش‌مایه هشت‌پر ساسانی و پارتی و هشت‌پر اسلامی در گنبد سلطانیته به چشم می‌خورد. (www.ebtekarnews.com)

بررسی نقش‌های به کار رفته در زیلو نشان می‌دهد، بافنده زیلو، نقش‌ها و طرح‌های موجود در این فرش را از طبیعت خود و از شئون زندگی خود گرفته است. نمونه آن نقش «پرت‌توره» است که توره در گویش یزدی‌ها به معنی شغال است و پرت توره به معنی پنجه شغال؛ از آنجا که این نقش شباهت زیادی به رد پای شغال دارد و شغال تنها حیوان وحشی بوده که رد پایش در این سرزمین فراوان به چشم می‌خورده است. (فلاح، ۱۳۷۹: ۴۶)

نقش حاشیه زیلو را در میبد «کنگره» می‌گویند و کنگره نیز یاد آور برج‌های قلعه‌های میبد است؛ مانند «نارین قلعه» میبد که از معروف‌ترین آنها به شمار می‌رود. کنگره نیز پدیده نوظهوری نیست. در میبد تصویر فضایی آن در نوع حصارچینی مشبک جلوه کرده که در کله بادگیر و حفاظ پشت بام منازل به چشم می‌خورد و نمونه آن در میبد و یزد فراوان است. الهام گرفتن از مظاهر ملموس طبیعت در نقش‌مایه دستبافته‌ها و هر هنر دیگر، از سنت‌های معمول و رایج هر منطقه است. زیلوبافان میبیدی با الهام از محیط زیست خود، گاه نقشی نو آفریده‌اند. همچنین نقش برخی از گل‌های زیلو همان نقش چلیپا یا چرخ چاه است که برای استحصال آب از سفره‌های زیر زمینی کاربرد داشته است. نقش دیگری نیز در زیلو دیده می‌شود که شباهت زیادی به برگ درخت انار دارد که از محصولات محلی

استان یزد به شمار می‌رود. نقش «تالگ» نیز یادآور حوض‌های مستطیل شکلی است که یکی از ویژگی‌های معماری یزد و میبد به حساب می‌آید. (همان: ۴۷)

انواع نقش

زیلوه‌ها از نظر تعداد نقش به دو دسته زیلوه‌های تک‌نقش و زیلوه‌های سجاده‌ای تقسیم می‌شوند.

۱) زیلوه‌های تک‌نقش: در این نوع زیلوه‌ها کلّ زمینه با یک نقش خاص بافته می‌شود. بیشترین تعداد زیلوه‌ها، تک‌نقش هستند. قدیمی‌ترین زیلوی تک‌نقش موجود، مربوط به تاریخ ۱۲۰۰ هجری قمری در مسجد صاحب‌الزّمان زارچ است که به رنگ آبی و سفید بافته شده است. (www.ziloumeybod.ir)

۲) زیلوه‌های سجاده‌ای: زیلوه‌های سجاده‌ای خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) زیلوه‌های سجاده‌ای تک‌نقش: در این‌گونه زیلوه‌ها، متن سجاده با یک نقش خاص مزین شده که با حاشیه‌ای زیبا از سجاده‌های دیگر مجزا گردیده است.

ب) زیلوه‌های سجاده‌ای با نقش‌های ترکیبی: در این دسته از زیلوه‌ها، هر سجاده، از نقوش متفاوت و متنوعی تشکیل شده است که گل‌های هشت‌پر، دم‌موشی، لچک و... از جمله این نقوشند. در مقام مقایسه، این گروه از زیلوه‌ها، نسبت به گروه قبل از قدمت بیشتر و زیبایی خاصی برخوردارند. بالطبع این ویژگی‌ها سبب شده است که بافتن این نوع زیلوه‌ها از توان هر بافنده خارج باشد و تنها استادانی خاص به این کار اهتمام ورزند. (شایسته‌فر، ۱۳۸۸: ۳۷)

کتیبه‌نگاری در زیلو

یکی از ویژگی‌های یگانه زیلو وجود کتیبه‌نگاری در این فرش است. این کتیبه‌ها همانند نقوش زیلو نشان‌دهنده گونه‌ای از رفتار فرهنگی و اجتماعی ایرانیان، خاصه مردمان یزد است. اعتقاد به عمل خیر و کارهای عام‌المنفعه، توجه به مسائل دینی، ثبت تاریخی، علاقه به ماندگاری لقب‌ها و نام‌ها و قرار دادن آن در معرض دید عموم، همگی در کتیبه‌های حاشیه

زیلوه‌ها قابل بررسی و پژوهش است. کتیبه زیلوه‌ها در عین حال کمک شایانی به شناخت و بررسی تاریخ زیلو کرده است. در این کتیبه‌ها تاریخ اجرای اثر، نام سفارش‌دهنده، نام بافنده و نام مکانی که زیلو در آن گسترده شده، آمده است. در بسیاری از موارد می‌توان تاریخ ساخت بنا را بر اساس تاریخ‌های موجود در زیلوه‌های وقف‌شده و شرح کتیبه‌ها حدس زد که این خود کمک شایانی به بررسی تاریخی اثر می‌کند. نکته حایز اهمیت دیگر اینکه در فرهنگ رفتاری هنرمندان و صنعتگران ایرانی به امضا و نام هنرمند کمتر توجه شده است؛ چنان که امروز آثار بسیاری وجود دارد، بدون آنکه کمترین اطلاعی از نام سازنده یا سازندگان آن اثر در دست باشد. زیلوبافی از معدود هنرهایی بوده که همواره نام هنرمند در کنار نام سفارش‌دهنده قید می‌شده و امروز این امکان را فراهم آورده است تا در بررسی زیلوه‌های مختلف، نام هنرمندان آن نیز قابل بررسی و پژوهش باشد.

معمولاً کتیبه‌ها در حاشیه زیلو قرار دارد. لیکن زیلوه‌ها به لحاظ محل درج کتیبه، به پنج نوع مختلف تقسیم می‌شوند: ۱. نوشته‌ها در دو طرف عرضی زیلو و نقش در وسط ۲. نوشته‌ها در دو طرف عرضی زیلو و نقش در وسط ۳. نوشته در دو طرف عرضی و یک طرف طولی زیلو و نقش در وسط ۴. نوشته در چهار طرف زیلو و نقش در وسط ۵. نوشته در وسط زیلو و نقش در طرفین آن. (فیاضی، ۱۳۸۸: ۸۹) هرچند زیلوهایی نیز وجود دارند که هیچ‌گونه کتیبه‌ای ندارند.

قلم نوشته مورد استفاده در زیلوه‌ها گونه‌ای قلم نسخ است که در برخی حروف مانند «الف» و «ی» و برخی از کشیده‌ها و حرکات، شباهت‌هایی به ثلث نیز دارد و اگرچه به صورت نقش بافته‌شده، از خوانایی بسیار بالایی برخوردار است. در این خط نوشته‌ها برخی حروف را به گونه‌ای ساده‌نویسی کرده‌اند؛ مانند «گ» که به «ک» تبدیل شده یا در مواردی «ج» به «ح» تبدیل شده است که شاید علت عمده آن محدودیت‌های بافت بوده که موجب شده زیلوباف از پرداختن به جزئیات این چنینی بپرهیزد. (تقوی رکن‌آبادی، ۱۳۸۳: ۸۱)

نکته قابل توجه در مورد تاریخ بافت و نام بافنده در بسیاری از زیلوه‌های سجاده‌ای آن است که این نوشته‌ها در وسط سجاده به صورت معکوس بافته و به عنوان نقش سجاده محسوب می‌شود. در برخی از زیلوه‌ها، خط در دو قسمت عرضی زیلو قرار گرفته و از نقوش

ویژه حاشیه برای حاشیه‌های طولی استفاده شده است. در عرض زیلوها معمولاً اعداد مربوط به تاریخ بافت و نام بافنده و گاهی نیز عبارت «وقف» یا «وقف نمود» دیده می‌شود. نوشته‌های طولی زیلو جملات همانندی هستند که معمولاً در سرتاسر طول زیلو بافته می‌شوند.

هنرمندان زیلوباف به سبب حرمتی که برای نوشتن نام متبرک «الله» قائل بودند، از نگارش کامل این کلمه بر زیلوها خودداری می‌کردند تا بر آن پای گذاشته نشود، بلکه این کلمه را به صورت «...» نقش می‌کردند. یکی دیگر از ابتکارات در زمینه خط، جدا کردن حروف نام افراد از هم یا اتصال کلمات یک عبارت به یکدیگر بوده است.

جمع بندی

زیلو یکی از خلاقانه‌ترین دستبافت‌های ایران زمین است که به مدد سرانگشت‌های هنرمندانه زیلوبافان در کارگاه‌ها تولید می‌شود. دستبافته‌ای که از هیچ طرحی بر روی کاغذ استفاده نمی‌کند و زیلوبافان طرح‌ها را در ذهن خویش طراحی می‌کنند. اگر یک قالیباف برای بافتن تک تک چین‌ها و رج‌ها باید به طرح نقش رجوع کند، زیلوباف تنها به یک کد و رمز رجوع می‌کند. برای این کار کافی است یک اسم به زیلوباف داده شود تا او به طور ذهنی، آن نقش را بر روی تارها و پودها بیافد، نقوش هندسی منظم و دقیقی بافته می‌شوند که از تقارن بسیار دقیقی برخوردارند. در این فرشینه تفاوتی بین روی کار و زیر کار وجود ندارد. مثلاً اگر یک گل به رنگ قرمز در یک جهت زیلو نقش بندد، در طرف دیگر، همان گل با همان اندازه و ابعاد به رنگ آبی بافته می‌شود بدون این که کوچک‌ترین اختلاطی در رنگ صورت گرفته باشد. از این نظر نیز این هنر، بی‌نظیر است.

توجه به زیلو به عنوان گوشه‌ای از تاریخ هنر و داشته‌های فرهنگ بومی امری ضروری است. از آنجا که رسالت صدا و سیما، احیاء، تقویت و غنابخشی به این داشته‌هاست می‌توان برنامه‌های بسیاری را برای معرفی دستبافته‌های بومی در نظر گرفت. زیلو، فرشینه‌ای ساده و کم بها نیست بلکه گنجینه‌ای گران‌بهاست که با نقش‌های پر رمز و راز، زیباترین دستبافته مردمان کویر محسوب می‌شود.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. افشار، ایرج (۱۳۵۴) *یادگارهای یزد*، ج ۲، تهران: انجمن آثار ملی و انتشارات زیبا.
۲. رمضان‌خانی، صدیقه (۱۳۸۹) *زیلوبافی در یزد*، یزد: پایگاه میراث فرهنگی استان یزد.
۳. علیمحمدی اردکانی، جواد (۱۳۸۶) *پژوهشی در زیلوی یزد*، تهران: نشر فرهنگستان هنر.

ب) مقاله‌ها

۱. جانب‌اللهی، سعید (۱۳۷۴) «نگاهی به زیلوبافی میبد»، *مجله دست‌ها و نقش‌ها*، ش ۳.
۲. حصوری، علی (۱۳۸۱) «ترکیب‌بندی نقوش در زیلوی طرح محرابی (صف)»، *مجله گلجام*.
۳. سهیلی راد، فهیمه و چیتی، منصور (۱۳۷۸) «بررسی نوشته‌ها و نگاره‌های زیلوهای تاریخی مسجد مناطق رستاق»، *فصلنامه فرهنگی - پژوهشی فرهنگ یزد*، س ۱، ش ۲ و ۳، بهار و تابستان.
۴. شایسته‌فر، مهناز و شهریار شکرپور (۱۳۸۸) «مقایسه طرح و نقش در زیلوبافی میبد و مسجد جامع یزد»، *دوفصلنامه پژوهش هنر اسلامی*.
۵. محبی، حمیدرضا و محمدتقی آشوری (۱۳۸۴) «نماد و نشانه در نقش‌پردازی زیلوهای تاریخی محرابی (صف) میبد»، *مجله گلجام* (نشریه علمی انجمن فرش ایران)، ش ۱، زمستان.
۶. یآوری، ملیحه (۱۳۸۵) «زیلو انعکاس آرامش در خانه‌ها»، *روزنامه همشهری*، [۸۵/۱۰/۲۳].

پ) پایان‌نامه‌ها

۱. تقوی رکن‌آبادی، فاطمه (۱۳۸۳) «منوگرافی و بررسی عملکرد اقتصادی و اجتماعی شرکت تعاونی تولیدی زیلوبافان شهرستان میبد»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*، مجتمع علوم انسانی دانشگاه یزد، گروه تعاون و رفاه اجتماعی.

۲. حاجی‌بمانی، حبیب (۱۳۸۰) «بررسی علل کاهش صنعت زیلوبافی در روستای شهیدیه شهرستان میبد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مجتمع علوم انسانی دانشگاه یزد، گروه علوم تربیتی.
۳. دهقانی فیروزآبادی، فاطمه (۱۳۸۶) «بررسی عملکرد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شرکت تعاونی زیلوبافان میبد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مجتمع علوم انسانی دانشگاه یزد، گروه تعاون و رفاه اجتماعی.
۴. فلاح، حمیدرضا (۱۳۷۹) «بررسی علل رکود صنعت زیلو در شهرستان میبد و نقش شرکت تعاونی زیلوبافان میبد در توسعه این صنعت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مجتمع علوم انسانی دانشگاه یزد، گروه تعاون و رفاه اجتماعی.
۵. فیاضی، عاطفه (۱۳۸۸) «بررسی عملکرد اقتصادی - اجتماعی شرکت تعاونی تولیدی زیلوبافان میبد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مجتمع علوم انسانی دانشگاه یزد.

ت) اینترنت

www.aftab.ir

www.amordad.net

www.centercarpet.com

www.ebtekarnews.com

www.fantabe.com

www.irandeserts.com

www.isfahanportal.ir

www.mehrnews.com

www.seemorgh.com

www.yazdchto.ir

www.yazdmiras.com

www.ziloumeybod.ir